آینه

کیهان

ته‌مانده سفره سهم مردم از مدیریت اشرافی

● یکی از اصلی‌ترین دلایل مشکلات امروز کشور بی‌شک عوامل انسانی هستند. کسانی که یا کار خود را به‌درستی انجام نمی‌دهند و یا عملا با تخلف، در روند امور اختلال ایجاد می‌کنند. در موضوعاتی که صدها و بلکه هزاران عامل انسانی دخیل هستند، لازم نیست همه آنها در اقدامی هماهنگ و از پیش برنامه‌ریزی‌شده کار را منحرف و دچار اشکال کنند، کافی است یک یا چند نفر به وظیفه خود عمل نکنند تا کار بقیه نیز بی‌اثر و دچار اشکال شود. ساعت از ترکیب دقیق کار و به‌موقع و هماهنگ صدها قطعه ظریف کار می‌کند اما برای خواب‌رفتن آن، خرابی یک قطعه هم کافی است. عوامل متعددی در تخلف و درست و به‌موقع عمل‌نکردن به وظایف وجود دارد اما معضل فساد را می‌توان اصلی‌ترین عامل آن دانست. این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در پیام «گام دوم» و در بخش توصیه‌ها که شامل هفت توصیه است، یکی از آنها را به «عدالت و مبارزه با فساد» اختصاص داده‌اند و جالب آنکه از نظر کمی نیز این توصیه حجم بیشتری از سایر توصیه‌ها دارد.

اعتماد

سفرهای محمد بن سلمان

● **سعید عابدپور:** احتمالا یکی از مهم‌ترین اهداف بعدی اما پنهان بن‌سلمان در تقویت روابط تجاری و سیاسی با این کشورها، انزوای ایران باشد. انزوای منطقه‌ای ایران هدفی است که سعودی‌ها به نیابت از آمریکا و به‌عنوان سرمایه‌گذاری انجام می‌دهند. آنها حتی حاضر به مشارکت اقتصادی برای سرمایه‌گذاری در کریدور اقتصادی چین- پاکستان هستند که آمریکایی‌ها نظر خوشی نسبت بدان ندارند و شاید آمریکا با تقویت حضور چین در این منطقه از جهان خواستار کاستن فشار اقتصادی چین در منطقه اقیانوس آرام است و حداقل برای مدتی بدش نمی‌آید که چینی‌ها را در این منطقه از جهان سرگرم کند. کوشش‌های سعودی با وجود اقتضائات ژئوپلیتیک منطقه است. ایران، پاکستان، هند و چین دارای پیوستگی‌های ژئوپلیتیکی بیشتری نسبت به عربستان هستند. این کشورها می‌توانند هم‌زمان دارای روابط خوبی با دو کشور ایران و عربستان باشند ولی نمی‌توانند این کشورها را در معرض انتخاب بین یکی از آن دو، ایران یا عربستان بگذارند. از سوی دیگر عربستان شاید هیچ‌گاه نتواند از هند و چین علیه ایران استفاده ابزاری کند، ولی درباره پاکستان وضع تا حدودی فرق می‌کند. وجود ساختارهای مشکوک دفاع از تروریست‌ها در منطقه، احتمال تأثیرگذاری عربستان در رابطه با ایران دور از ذهن نیست.

ایران

خستگی تصمیم

● **عباس عبدی، تحلیلگر سیاسی:** بیشترین انرژی را در مقایسه با هریک از اندام‌های انسان، مغز او مصرف می‌کند و اگر این مغز بیش از اندازه درگیر تصمیم‌گیری شود، به‌طور طبیعی قادر به واکنش مناسب نیست. دولت ایران به صورت سنتی درگیر ده‌ها و صدها موضوعی است که باید درباره همه آنها تصمیم بگیرد و این کار شدنی نیست. ولی اتفاق بدتری که رخ می‌دهد این است که درباره مسائل کوچک و به نسبت پیش‌پاافتاده بیشتر فکر و گفت‌وگو می‌کنند و هنگامی که به مسائل اصلی و مهم می‌رسند، حوصله و توان فکرکردن ندارند و سرسری تصمیم می‌گیرند که معمولا راحت‌ترین راه را که بدترین است، برمی‌گزینند. حتی درباره تصمیمات مهم نیز به‌طور معمول درباره حواشی و جزئیات آن گفت‌وگو می‌کنند و سپس از اصل ماجرا به‌سرعت عبور می‌کنند. نکته مهم‌تر اینکه افراد تصمیم‌گیر هرچه درباره موضوعی دانش و اطلاعات کمتری داشته باشند، در تصمیم‌گیری انرژی کمتری مصرف می‌کنند و البته تصمیم بی‌ربط‌تری هم می‌گیرند. افرادی که دانش و اطلاعات گسترده‌ای در یک موضوع دارند، برای تلفیق و ترکیب باید مثل یک پردازنده پرقدرت کار کنند که به‌سرعت گرم می‌شود و احساس می‌کند که کله‌اش داغ شده است. باید خون زیادی به مغزش برسد تا بلکه گرمای آنجا را کم کند و مواد لازم را برای کار به مغز برساند.

آرمان امروز

اتهام‌زنندگان بدهکار طلبکار هم هستند

● **شهربانو امانی:** حق هر شهروندی است که در چارچوب قانون، فعالیت سیاسی داشته باشد. آقای قالیباف هم حق دارد به‌عنوان یک سردار، خلبان، دکتر و مدیر ۱۲ساله پایتخت که کارنامه مشخصی هم دارد، در هر انتخاباتی شرکت کند. اما جریان اصولگرایی باید تکلیف خود را با او مشخص کند؛ زیرا در کشور دو جریان عمده اصلاحات و اصولگرا وجود دارد که سبد رأی مشخصی دارند. سنگینی سبد رأی اصولگرایان در خوشبینانه‌ترین حالت، ۱۵ درصد است. قالیباف باید برای آن ۱۵ درصد بجنگد. از سویی اصولگرایان هشت سال حامی دولتی بودند که با شعارهای پوپولیستی روی کار آمد و کارنامه آن هم پیش‌روی همه قرار دارد که چه هزینه‌ای را به کشور تحمیل کرد، تا چه اندازه در کشور به‌هم‌ریختگی ایجاد کرد و مسبب بخش عمده مشکلات امروز کشور شد.

روایت یونسی از نقش حَکمیت در پرونده زهرا کاظمی

عکس: مهتاب کرم‌بیگی، ایرنا

پرونده زهرا کاظمی از آن‌دست پرونده‌هایی است که پس از سال‌ها هنوز محل بحث و نظر است و هر چند وقت یک بار یکی از مسئولان نکته جدیدی درباره چگونگی نقش سعید مرتضوی، افراد مرتبط با پرونده یا چگونگی مرگ زهرا کاظمی سخن می‌گویند. چنین فضایی در شرایطی شدت گرفته است که مرتضوی نه‌تنها قدرتی ندارد بلکه با حکم قضائی حبس خود را سپری می‌کند.

اخیرا علی یونسی، وزیر اطلاعات دولت اصلاحات در گفت‌وگویی با «ایرناپلاس» ضمن استقبال از ریاست ابراهیم رئیسی بر قوه قضائیه به ذکر خاطره‌ای از نقش حَکمیت او، غلامحسین محسنی‌اژه‌ای و غلامحسین الهام در پرونده زهرا کاظمی اشاره کرده است: «وقتی پرونده زهرا کاظمی مطرح و بین دولت و قوه قضائیه اختلاف بالا گرفت و مرتضوی اصرار داشت و مدعی بود که این خانم توسط وزارت اطلاعات به قتل رسیده است و چون قدرت را در دست داشت ملاحظه چیزی را نمی‌کرد لذا من، به عنوان وزیر اطلاعات برای حل نزاع سه نفر را به‌عنوان حَکم خدمت مقام معظم رهبری معرفی کردم. این سه نفر، آقایان رئیسی، محسنی‌اژه‌ای و الهام بودند که هر سه از مخالفان اصلاح‌طلبان و دولت محسوب می‌شدند ولی من، آنان را به‌عنوان حَکم پیشنهاد کردم. در ابتدا برای رئیس وقت قوه قضائیه سخت بود زیر بار چنین پیشنهادی برود، ولی مقام معظم رهبری دستور دادند پیشنهاد وزیر اطلاعات پذیرفته شود و حتی وقتی که من آنان را معرفی کردم معاونان من در وزارت اطلاعات هم متعجب شدند و معتقد بودند که این ترکیب، وزارت اطلاعات را از پیش محکوم می‌کند اما من چنین اعتقادی نداشتم و می‌گفتم که این‌طور نیست. بر اساس شناختی که از این آقایان داشتم، مطمئن بودم که حتی اگر مرتضوی را مقصر نشناسند و محکوم نکنند، اما وزارت اطلاعات را تبرئه می‌کنند و این اتفاق هم افتاد». وی ادامه داد: «این گروه آمدند حدود ۴۰ روز تحقیق و بررسی کردند، اسناد را دیدند، حرف‌ها را شنیدند و بعد صریحا نوشتند که این حادثه مطلقا هیچ‌ربطی به وزارت اطلاعات ندارد و وزارت توسط همین سه نفر تبرئه شد». زهرا کاظمی، دوم تیرماه سال ۱۳۸۲ هنگام گرفتن عکس از تجمع خانواده‌های تعدادی از زندانیان در مقابل زندان اوین بازداشت شد و ۱۸ روز بعد یعنی در تاریخ ۲۰ تیرماه همان سال در بیمارستان بقیه‌الله اعظم تهران جان باخت.

روایت آرمین از مرگ کاظمی

محسن آرمین اخیرا در گفت‌وگویی با «ایرنا» با اشاره به نقش سعید مرتضوی در مرگ زهرا کاظمی گفته بود: «سعید مرتضوی در پرونده زهرا کاظمی هزینه بسیار سنگینی را به کشور تحمیل کرد که نظام هنوز درگیر آن است. عملکرد مرتضوی در این پرونده کشور کانادا را به یک نیروی فعال علیه جمهوری اسلامی ایران در صحنه بین‌المللی تبدیل کرده است. تازه‌ترین اقدام کانادا پیشنهاد قطع‌نامه نقض حقوق بشر علیه ایران بود که به تصویب رسید. می‌گویند بعد از دستگیری بلافاصله ضربه مغزی شده است که نمی‌تواند این‌طور باشد. چون فاصله بین دستگیری تا مرگ مغزی او زیاد بوده است. البته ظاهرا هنگام دستگیری وقتی به محوطه زندان اوین منتقل می‌شود، همچنان اعتراض می‌کرده است و می‌گویند در همین درگیری زمین می‌خورد. خانم کاظمی از نظر جسمی هم قوی بوده و مقاومت می‌کرده است. تا موقعی که به کما می‌رود حدود دو روز طول می‌کشد؛ یعنی این ضربه احتمالا مربوط به دقایق اول دستگیری نیست. تا آنجا که من می‌دانم هیچ تحقیقی هم در مورد این ادعا صورت نگرفت». آرمین در ادامه گفت: «ایشان شب دستگیری چهار ساعت پشت درهای بسته مورد بازجویی قرار می‌گیرد. این بازجویی ظاهرا تا ساعاتی پس از نیمه‌شب طول می‌کشد. آقای مرتضوی هم در این بازجویی حضور داشته است. هیچ‌کس از محتوا و اتفاقات آن شب و اینکه در آن جلسه چه گذشته است خبری ندارد. منتها براساس گزارش‌هایی که در همان زمان دریافت کردم بعد از بازجویی خانم کاظمی وقتی به نیروی انتظامی تحویل داده می‌شود هم بینی‌اش، هم انگشتانش ضربه خورده بود. تا آنجا که یادم هست ظاهرا بازجویان نیروی انتظامی از او می‌خواهند که این موارد را در بازجویی خود بنویسد و او نیز می‌نویسد. این موارد باید در پرونده زهر کاظمی موجود باشد». آرمین درباره نحوه مواجهه وزارت اطلاعات وقت با مرتضوی گفت: «مرتضوی از وزارت اطلاعات می‌خواهد که متهم را تحویل بگیرند. وزارت اطلاعات می‌گوید ما او را جاسوس نمی‌دانیم. ایشان را به هتلش بفرستید. آنجا اگر قرار باشد از ایشان بازجویی می‌کنیم. بنابراین خانم کاظمی تحویل نیروی انتظامی می‌شود. در نیروی انتظامی ایشان می‌گوید که مورد ضرب و شتم قرار گرفته است و آن را مکتوب هم می‌کند. مرحله بعد مرتضوی به وزارت اطلاعات دستور می‌دهد شما باید خانم کاظمی را تحویل بگیرید اما وزارت اطلاعات قبول نمی‌کند. مرتضوی تهدید می‌کند و وزارت اطلاعات هم به‌اجبار زهرا کاظمی را تحویل می‌گیرد. او در سلول وزارت اظهار سردرد و تهوع می‌کند. او را به بهداری می‌برند نمی‌توانند بفهمند مشکل چیست؛ فکر می‌کنند مشکل معده دارد. چون بهداری زندان امکانات زیادی ندارد. بعد حال خانم کاظمی وخیم می‌شود. وقتی او را به بیمارستان خاتم‌الانبیا می‌برند دیگر به کما می‌رود. چند روز بعد مرتضوی به خانواده‌اش می‌گوید ما کاری به دخترتان نداریم بیایید او را ببرید. خانواده‌اش به بیمارستان مراجعه می‌کنند و می‌بینند دخترشان مدتی است مرگ مغزی است».آرمین در ادامه از فشارهای مرتضوی بر افراد مختلف پس از مرگ کاظمی گفت: «پس از گذشت یکی دو هفته از مرگ مغزی زهرا کاظمی، آقای مرتضوی آقای خوشوقت مدیرکل وقت مطبوعات خارجی وزارت ارشاد را احضار و مجبور می‌کند که اطلاعیه‌ای نادرست را بنویسد و از همان دفتر مرتضوی مخابره کند. او همچنین خبرگزاری ایرنا را تحت فشار می‌گذارد که خبر کذب را مخابره کند».آرمین درباره دفن جسد زهرا کاظمی در شیراز اظهار کرد: «مرتضوی مدعی بود خانم کاظمی منتزیت مغزی گرفته است. همان ادعایی که چند سال بعد در مورد قربانیان کهریزک کرد. ظاهرا او به این بیماری خیلی علاقه دارد. به هر حال زهرا کاظمی سریع باید دفن می‌شد. مرتضوی خانواده ایشان را خواسته بود و مادرش را مجبور کرده بود که رضایت بدهد تا به سرعت جسد دفن شود. برای اینکه اصلا نشود ماجرا را پیگیری کرد».

روایت خوشوقت از مرگ کاظمی

در دی‌ماه سال جاری محمدحسین خوشوقت که در سال ۸۲ مدیرکلی مطبوعات خارجی وزارت ارشاد را عهده‌دار بود، زوایای دیگری از مرگ خبرنگار ایرانی-کانادایی ارائه داده بود. او در گفت‌وگو با «ایرنا» گفته بود: «ایشان [زهرا کاظمی] از همان ابتدا با مأموران در چند مورد درگیر شده بود. بعد از آنکه در اختیار نیروی انتظامی برای بازجویی قرار می‌گیرد آنجا ناراحتی و ناآرامی‌هایی از خود نشان می‌دهد. آنها مستأصل می‌شوند و به این جمع‌بندی می‌رسند که بازجویی را ادامه ندهند. تصمیم می‌گیرند ایشان را به زندان اوین عودت دهند. طبق گزارش‌هایی که به هیئت ویژه رئیس‌جمهور ارائه شد، ایشان تصور می‌کند آنجا [اوین] سفارت کانادااست اما شخصی که در شب اول، به خاطر ناآرامی‌هایش، با ایشان برخورد فیزیکی داشت با خانم کاظمی برخورد می‌کند و سیلی به ایشان می‌زند تا دوباره آرامش کند». خوشوقت ادامه داده است: «خانم کاظمی از صدای آن مرد می‌فهمد که آنجا نه سفارت کانادا، که زندان اوین است. داد و فریاد و بی‌تابی می‌کند که آنجا سیلی به ایشان زده می‌شود و تعادلش از دست می‌رود و به زمین می‌افتد و سرش به جدول جویی که کنارش ایستاده بوده برخورد می‌کند. بدین سبب، شکاف کوچکی در جمجمه ایشان ایجاد می‌شود. مقداری بی‌حال می‌شود اما به ظاهر بهبود می‌یابد». بر اساس گفته‌های خوشوقت چند روز طول می‌کشد تا نشانه‌های ضربه مغزی آشکار شود و زهرا کاظمی از هوش برود: «گزارش‌هایی که در کمیته رئیس‌جمهور داده می‌شد بیان می‌کرد که ابتدا هم در بهداری و هم در بیمارستان بقیه‌الله تصور بر این بوده است که ایشان ناراحتی گوارشی دارد. اما وقتی ایشان به کما می‌رود متوجه می‌شوند مشکل مغزی بوده است. ایشان در بیمارستان حالت تهوع و بی‌حالی داشته است. آقای مرتضوی گفت که این خانم اعتراف کرده که جاسوس آمریکا و انگلیس است و علاوه بر جاسوسی، در پوشش کار خبری آمده تا ببیند آیا اصلاح‌طلبان، آن یک‌میلیون‌دلاری که سی‌آی‌ای به آنها پرداخته، درست خرج کرده‌اند یا نه؟ با این مطلبی که مرتضوی گفت بعید هم نیست می‌خواسته به اصطلاح، فیلی هوا کند».

روایت صحفی از مرگ کاظمی

محمد صحفی، معاون مطبوعاتی اسبق وزارت ارشاد و رئیس کمیته تحقیق پرونده مرگ زهرا کاظمی در آذرماه امسال درباره روند پیگیری این پرونده در آن زمان و نیز واکنش دولت اصلاحات به مرگ زهرا کاظمی به «ایرنا» گفت: «آقای خاتمی بلافاصله طی دستوری وزارت ارشاد را موظف به رسیدگی و تهیه گزارشی از این موضوع کرد. ایشان قاطعیت به خرج داد و با جدیت به‌دنبال روشن‌شدن و تعیین تکلیف این حادثه بود. خانم کاظمی با مجوز وزارت ارشاد فعالیت می‌کرد و به اصطلاح میهمان این وزارتخانه بود. طبعا مرگ مشکوک وی در زندان برای دولت خیلی گران تمام شد و معلوم بود که ماجرا نمی‌تواند یک اتفاق ساده باشد؛ به‌ویژه اینکه در دولتی که به‌دنبال تنش‌زدایی با دیگر کشورها بود حال به‌وسیله برخی تبدیل به تنش‌زایی و سبب یک واکنش منفی جهانی علیه ایران شد. به دنبال حکم رئیس‌جمهوری وزارت ارشاد به همه دستگاه‌هایی که در این قضیه مرتبط، مطلع یا مسئول بودند فراخوان داد و کمیته‌ای متشکل از نمایندگان این وزارتخانه‌ها (در سطح معاون وزیر) از وزارت دادگستری، وزارت امور خارجه، وزارت کشور، وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی را تشکیل داد. وزیر ارشاد، من و آقای خوشوقت هم حضور داشتیم. معاون وزیر دادگستری به عنوان رابط بین قوه مجریه و قضائیه عمل می‌کرد، نماینده نیروی انتظامی هم برای این در جلسه حضور داشت؛ چون این نیرو ضابط دادگستری و قوه قضائیه است و مرحوم خانم کاظمی مدت کوتاهی را در بازداشتگاه این نیرو به سر برده بود. جلسات خیلی طولانی و خسته‌کننده بود. وزیر ارشاد مدیریت جلسات کارگروه را به من سپرد تا این پروژه را پیگیری و به سرانجام برسانم».

صحفی ادامه داد: «بر اساس نوشته مأموران مراقب متهم اتفاق غیرعادی در زمان حضور وی در بازداشتگاه نیروی انتظامی نیفتاده مگر اینکه از وی شخصیت شلوغ و پرخاشگری توصیف شده بود. به‌هرحال آثار ضعف و بحرانی‌شدن حال وی پس از انتقال به زندان اوین آشکار می‌شود. از سوی معاون وزیر دادگستری وقت جناب احمدی میانجی که اتفاقا همشهری و آشنا بودیم و مرتب به جلسه می‌آمد درباره نحوه رسیدگی پزشکی پس از مشاهده اولین نشانه‌های ضربه مغزی توضیحاتی به کمیته تحقیق ارائه شد. وزارت اطلاعات هم توضیحاتی به کمیته تحقیق رسیدگی به ماجرای فوت زهرا کاظمی داد و معلوم شد که اتهام جاسوس‌بودن وی باید به تأیید کارشناسان این وزارت می‌رسیده که ابتدا کارشناسان وزارت اطلاعات پس از بررسی‌های فنی، نظر منفی راجع به فرضیه جاسوسی متهم می‌دهند و بعدا این پرونده توسط خود آقای سعید مرتضوی مدیریت می‌شود. نقطه غبارآلود پرونده نحوه بازجویی، زمان وقوع حادثه و رسیدگی‌های پزشکی بعد از مشاهده آثار خون‌ریزی مغزی بوده است. به همین علت نظر پزشکی قانونی نیز برای تکمیل گزارش اخذ شد که گزارش مفصل کارگروه را نقطه پایانی باشد. آن موقع دکتر صدر، رئیس پزشکی قانونی بود و آقای خوشوقت این مأموریت را پیدا کرد که همه نظرات و اسناد این حادثه را جمع‌بندی و گزارش نهایی را ارائه دهد. این گزارش تکمیل و برای رئیس‌جمهوری ارسال شد. پزشکی قانونی در نامه خود علت مرگ خانم کاظمی را برخورد سر ایشان با جسم سخت عنوان کرد. پاسخ پزشکی قانونی اگرچه در حد اختیارات قانونی بود، اما ابهامات را برطرف نکرد و انتظار این بود دستگاه قضائی حرف آخر را بزند. اگر موضوع فوت وی بر اثر سهل‌انگاری یا اقدام اتفاقی مأموری بوده، زوایای مسئله برای افکار عمومی توضیح داده شود. بدیهی است پزشکی قانونی محکمه نیست و از نظر وظایف قانونی خود بیشتر از این هم نمی‌توانست ورود پیدا کند. خاطرم هست که در گزارش بهداری زندان هم آمده بود رسیدگی‌های پزشکی در مورد خانم کاظمی انجام شده لیکن در وضعیتی که وی به بهداری منتقل شده اقدامات پزشکی نتوانسته وی را از مرگ نجات دهد».

رد ادعای جاسوس بودن کاظمی

در نهایت کمیسیون اصل۹۰ مجلس شورای اسلامی در گزارشی اعلام کرد که سندی مبنی بر «فعالیت جاسوسانه» زهرا کاظمی در دسترس نیست و این خبرنگار با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جمهوری اسلامی به ایران سفر و فعالیت کرده است. این در حالی است که در آن زمان سعید مرتضوی مدعی شده بود که کاظمی به اتهام جاسوسی دستگیر و زندانی شده و به علت سکته مغزی درگذشته است.

حاشیه‌های گفت‌وگوی فارس با احمدی‌نژاد

گفت‌وگوهای بی‌سرانجام

شرق: احمدی‌نژاد که زمانی خبرگزاری فارس را وابسته به یک نهاد امنیتی دانسته بود، حالا با آن گفت‌وگو کرده؛ اما آن‌طور که این خبرگزاری اعلام کرده، متن و فیلم مصاحبه را پس نداده است. احمدی‌نژاد زمانی که در دولت بود، در پاسخ به خبرنگاری که واکنش او را به گفته‌های علی لاریجانی درباره اثر تحریم‌ها در اقتصاد جویا شده بود، گفته بود: «من مصاحبه ایشان را دیدم و متأسفم که با یک خبرگزاری وابسته به نهاد نظامی و همه‌اش علیه دولت [مصاحبه شده است]. امروز هم همین حرف‌ها در همین خبرگزاری است. دو، سه نکته را دارند می‌زنند که ملت ایران باید توجه داشته باشند. یک خبرگزاری که وابسته به یک نهاد امنیتی است، نباید به مسائل سیاسی ورود کند». این در حالی است که او سال ۱۳۸۶ گفته بود: «فارس ازجمله خبرگزاری‌های خوب است. البته همه خبرگزاری‌های داخلی خوب هستند، ولی خبرگزاری فارس چیز دیگری است».

رسانه‌های اصولگرا در سال‌های اخیر رئیس سابق دولت را بایکوت کرده بودند و هیچ خبری له یا علیه او منتشر نمی‌کردند؛ حتی نزدیکانش نیز شامل چنین قاعده‌ای شده بودند. فروردین ۹۶ نیز که محمود احمدی‌نژاد نشستی خبری برای حمید بقایی ترتیب داده بود، در واقع به نشست خبری خودش بدل شد؛ چراکه هیچ‌کدام از رسانه‌های اصولگرا در آن حضور نداشتند و درواقع در اقدامی هماهنگ از پوشش نشست خبری محمود احمدی‌نژاد در رسانه‌های خود خودداری کرده بودند. در فقدان رسانه‌های اصولگرا، ۹۰ درصد پرسش رسانه‌های داخلی و خارجی به انتقاد و پرسش از عملکرد گذشته احمدی‌نژاد گذشت؛ اما در ماه‌های اخیر که موج گفت‌وگو با احمدی‌نژاد آغاز شده و رسانه‌ها یکی پس از دیگری سراغش رفته‌اند، فارس اصولگرا نیز به صرافت گفت‌وگو با او افتاده است.

خبرآنلاین روز گذشته نوشت: محمود احمدی‌نژاد بعد از گفت‌وگوی تصویری با اعتمادآنلاین، اواخر بهمن با خبرگزاری فارس هم گفت‌وگو کرده است؛ اما با یک تفاوت بزرگ! احمدی‌نژاد برخلاف اعتمادی‌ها و هماهنگی‌های انجام‌شده، اجازه ورود دوربین و حتی وسایل ضبط خبرنگاران خبرگزاری فارس را نداده است و به مصاحبه‌کنندگان گفته خودمان ضبط می‌کنیم و «همان روز» فیلم و صوت را تحویل می‌دهیم. حالا بیش از ۱۰ روز گذشته است؛ احمدی‌نژاد نه فیلم مصاحبه را تحویل داده و نه صوت گفت‌وگو را تا تفاوت دیدگاهش را درباره دو رسانه نامی کشور این‌گونه بیان کند. بااین‌حال، عبدالرضا داوری، مشاور رسانه‌ای او، در توییتی گفته است: امیدوارم خبرگزاری فارس متن کامل مصاحبه را منتشر کند و سردبیر خبرگزاری فارس هم با توییتی جوابش را داد که اگر مصاحبه را بدون سانسور تحویل بدهید، حتما همان کار می‌شود.

آن‌طور که مشخص است، رئیس سابق دولت تمایلی به گفت‌وگو درباره دوران ریاستش بر دولت، ماجراهای بحث‌برانگیز سال ۸۸ و رفتارهای سال‌های اخیرش ندارد و محور یا موضوعات گفت‌وگو را نیز خودش پیشنهاد می‌دهد. محمود احمدی‌نژاد همچنان تمایلی به قرارگرفتن در جایگاه پاسخ‌گویی ندارد. اعتمادآنلاین با احمدی‌نژاد درباره نهضت بهار گفت‌وگو کرده بود که منتشر شد؛ اما مشخص نیست موضوع گفت‌وگوی خبرگزاری فارس با رئیس سابق دولت حول‌وحوش چه محورهایی بوده است.

خبرگزاری فارس فروردین ۹۶ و چند وقت بعد از آن نشست خبری، در واکنش به ثبت‌نام احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست‌جمهوری نوشته بود: «بی‌حیایی امروز او قابل انتظار بود. البته احمدی‌نژاد در مورد اخیر، بیش از همیشه دچار تناقض و مبتلا به دروغ شد؛ او چند ماه پیش دو نامه، یکی به رهبر انقلاب و دیگری به فعالان شورای موسوم به بازخوانی خط امام نوشت و در اولی اعلام کرد هیچ برنامه‌ای برای انتخابات ندارد و در دومی گفت هرکس می‌خواهد کار انتخاباتی کند، برود و بعد از انتخابات بازگردد؛ اما چرا احمدی‌نژاد امروز وارد چنین قمار پرخطر و آبروبری شد؟ به نظر می‌رسد منشأ این ورود، حبّ نفس و آرزوی بی‌رقیب‌ماندن در عرصه سیاست است. احمدی‌نژاد با خودشیفتگی می‌خواست جریان انقلابی را به التماس از خود وادارد و با این توهم که نظام برای خلاص‌شدن از روحانی به او پناه می‌برد، از سال گذشته و با آغاز سفرهای استانی، راهبرد «با دست پس‌زدن و با پا پیش‌کشیدن» را در پیش گرفت؛ اما این مکر، با تدبیر برتری محق و راه حضور پرهزینه و کم‌فایده او مسدود شد... پایان تلخ احمدی‌نژاد و رفتار دور از حیا و نجابت امروز او، برای جریان مؤمن و انقلابی خوشحال‌کننده نیست... افسوس برای احمدی‌نژاد، البته جریان انقلابی را نه‌تنها زمین‌گیر و ناامید نمی‌کند، بلکه آن را مصمم‌تر می‌سازد تا ان‌شاءالله با عزم راسخ و هم‌گرایی و همدلی، بساط جریان غرب‌گرا و بی‌کارنامه‌ای که زندگی مردم را قفل کرده است، جمع شود و تلخی ریزش به شیرینی رویش تبدیل شود».

ادامه از صفحه ۵

پرداخت قبض‌های مدارس توسط ۲ وزارتخانه

رئیس انجمن انرژی تجدیدپذیر همچنین با تأکید بر اینکه منابع تجدیدپذیر و روستایی باید از یکدیگر تفکیک شود، تخصیص دیرهنگام منابع مالی به توانیر برای تسویه با تولیدکنندگان این بخش را یکی از چالش‌های جدی این صنعت معرفی کرد. داوود مددی از انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر ایران، هم خواستار اصلاح قیمت برق تجدیدپذیر شد و قیمت‌گذاری نامناسب را عامل بروز مشکل در تسویه اقساط منابع خارجی یا منابع صندوق توسعه ملی اعلام کرد.

او گفت: پیش از این، انرژی فسیلی هزارو ۲۰۰ دلار در هر کیلووات ساعت هزینه داشت و اکنون تکنولوژی این هزینه به ۸۵۰ یورو رسیده است. در بخش انرژی بادی از هزار و ۶۰۰ یورو به هزارو ۳۰۰ یورو کاهش یافته و در بخش پسماند چهارهزارو ۸۰۰ یورو در هر کیلووات هزینه سرمایه‌گذاری داریم، اما قیمت برق تغییر نکرده است. اکنون قیمت‌های خرید تضمینی در بخش خورشیدی ۵۸ درصد، در بادی ۶۴ درصد و در بخش پسماندسوز ۶۶ درصد کاهش یافته است. به گفته مددی با کمک ساتبا قیمت پیشنهادی برای هر کیلووات ساعت برق خورشیدی ۸۵۴.۲ تومان و دو ریال، بادی ۸۷۴.۲ تومان و پسماندسوز ۱۶۲۸.۵ ریال بوده است.

کولرهای گازی، معضلی بزرگ

در ادامه این نشست محمدحسن متولی‌زاده مدیرعامل توانیر با تأکید بر برنامه‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی، عنوان کرد: به چند دلیل بهینه‌سازی مصرف انرژی اهمیت دارد زیرا با هزینه کمتری بهینه‌سازی مصرف اتفاق خواهد افتاد و در زمان کوتاه‌تری به نتیجه می‌رسیم. سرعت برگشت سرمایه کوتاه است و اشتغال‌زایی فراوانی دارد.

او افزود: در سال‌های گذشته یکی از بحث‌های جدی ما بحث پیک شب بود که با توزیع ۲۰۰ میلیون لامپ کم‌مصرف، دو هزار مگاوات مصرف کاهش یافت و مشکل پیک شب حل شد.

به گفته متولی‌زاده مشکل اصلی این روزهای ایران بحث سرمایش است زیرا ۴۰ درصد بار تابستان مربوط به وسایل سرمایشی است و این مصرف با شیب تند در حال افزایش است. بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، سالانه ۸۵۰ هزار کولر گازی به چرخه مصرف اضافه می‌شود که سالانه فقط دو هزار مگاوات برای مصرف این کولرها باید برق تأمین شود.

او ارتباط‌دادن توسعه تجدیدپذیرها به نخ باریک عوارض برق را سیاستی نادرست توصیف کرد زیرا عوارض را تا بی‌نهایت نمی‌توان افزایش داد.

مدیرعامل توانیر با اشاره به پیشنهادهای بخش خصوصی در زمینه استفاده از منابع حاصل از سوخت صرفه‌جویی‌شده برای توسعه تجدیدپذیرها، عنوان کرد: این بحث مبنای مهمی است و می‌تواند کمک مناسبی باشد. ما باید مردم را در توسعه تجدیدپذیرها مشارکت دهیم. تا زمانی که خریدار انحصاری دولت باشد، آیا به دولت با منابع محدود می‌شود تکیه کرد؟ پیشنهاد مشخص ما این است که مردم را وارد عرصه کنیم.

به گفته او، بر اساس مصوبات مجلس در سال آینده، تعرفه پرمصرف‌ها اصلاح خواهد شد و در مواقع اوج مصرف، قیمت برق حرارتی نزدیک به تجدیدپذیر خواهد شد.

متولی‌زاده ارقام تخصیص‌یافته از عوارض قبوض برق برای توسعه تجدیدپذیرها و برق روستایی را متفاوت دانست و افزود: در سال جاری ۹۱۷ میلیارد تومان برای این منظور تخصیص دادند که تا همین امروز ۸۴۰ میلیارد تومان را به خزانه پرداخت کردیم. این در حالی است که همان‌طور که همه استحضار دارند، هزارو ۷۰۰ تا هزارو ۸۰۰ میلیارد تومان از منابع ما مدت‌ها در اختیار هدفمندی یارانه‌ها بوده است. ضمن آنکه درصد وصول ما پایین است و دوره وصول ۱۲۰روزه است. خیلی از مشترکین از پرداخت‌ها مستثنا می‌شوند که باید در محاسبات به آن توجه شود. وقتی مشترکان کشاورزی از پرداخت مستثنا می‌شوند یعنی ۱۷ درصد مصرف مستثنا شده است. با استثناشدن روستاییان، یعنی هفت میلیون مصرف‌کننده از چرخه پرداخت حذف می‌شوند.

افزایش قیمت، مساوی با ضرر بیشتر

سیدمحمد صادق‌زاده رئیس سازمان ساتبا نیز در این نشست در واکنش به درخواست بخش خصوصی برای افزایش نرخ برق تجدیدپذیر بیان کرد: در جلسه با انجمن انرژی تجدیدپذیر، با افزایش نرخ موافقت شد اما متأسفانه با این واقعیت مواجه هستیم که اگر نرخ را افزایش دهیم، به دلیل آنکه منابع آن تأمین نمی‌شود، مطالبات بخش خصوصی تبدیل به طلب انباشته خواهد شد و در نهایت بخش خصوصی بیشتر متضرر می‌شود.

او با اشاره به اینکه در جلسه با بخش خصوصی حدود هفت منبع بالقوه برای تأمین هزینه‌های تولید برق تجدیدپذیر فهرست شده است، یکی از مهم‌ترین منابع مالی را استفاده از اعتبارات ناشی از سوخت صرفه‌جویی‌شده دانست. به گفته صادق‌زاده در قانون خرید تضمینی برق به صراحت این موضوع ذکر شده است. اگر همین یک مورد عملیاتی شود، مشکلی برای تأمین مالی برق تجدیدپذیر نداریم.